

# سفیر های عروسکی

کشور های مختلف در ۴ گوشه دنیا با چه عروسک های سنتی شناخته و معروف شده اند ؟

پرونده

دنیای بچه ها در کودکی با اسباب بازی و عروسک هایشان رنگورو می گیرد. دوره کودکی بیشتر مان به عروسکی گره خورده که اسمش را خود مان انتخاب می کردیم، دوست مان بود و همیشه و همه جا همراه مان. همان طور که عروسک ها در ماقبل تاریخ هم بخشی از زندگی انسان بوده اند و بازمانده ای از یک عروسک مرمی با دست هایی متحرک از دوره بابلی و عروسک هایی در مقبره های اهرام مصر هم کشف شده است. برخی بر این باورند که قرار دادن عروسک ها درون مقبره به این معناست که عروسک برای آن فرد، شیء عزیزی بوده است. به هر حال، عروسک ها به شکلی در زندگی هر فرد وجود داشته و دارند. برای کودکان تصور دنیای بدون عروسک سخت است. آن ها با عروسک ها حرف می زنند، همبازی می شوند و روی می سازند. برای بزرگ ترها، عروسک ها خاطره روزهای دور از دسترس کودکان است و برای ملت ها نشانه و چکیده ای هنری از باور، فرهنگ و سنت های کشورشان. عروسک های کشورهای مختلف داستان های متفاوتی دارند. در بعضی کشورها این عروسک ها هنوز همبازی کودکان هستند و در کشورهای دیگری بعضی از این عروسک ها به یک شیء تزئینی یا سوغات و سفیر هنری شان تبدیل شده است. در این مطلب قرار است درباره تاریخچه و عروسک های سنتی قوم ها و کشورهای مختلف جهان بیشتر بخوانیم.

## «لعبتک» ها در طول تاریخ

دهخدا در لغت نامه اش تعبیر جالبی از عروسک ها دارد و آن ها را «لعبت و آدمک» خوانده است. تأکیدش هم بر این بوده که بیشتر دختران این لعبتکان را می سازند و با آن بازی می کنند. رومیان و یونانیان باستان این عروسک ها در مقبره کودکان خود دفن می کردند و جالب این که دختران رومی و یونانی وقتی بزرگ می شدند و دیگر با عروسک های خود بازی نمی کردند آن ها را به الهه های خود تقدیم می کردند. بیشتر عروسک هایی که از درون مقبره های قدیمی پیدا شده اند، سرو و شکلی ساده دارند و بیشترشان از گل، تکه پارچه، چوب یا استخوان ساخته شده اند. بعضی عروسک ها هم که از بقیه بهتر هستند از عاج یا موم درست شده اند. هدف اصلی در ساخت این عروسک ها این بوده است که آن ها را به واقعیت نزدیک کنند، به همین دلیل ۶۰۰ سال پیش از تولد مسیح باعث پیدایش عروسک هایی با دست و پا های متحرک و لباس های قابل تعویض شد. با پایان دوران عروسک های باستانی، اروپا تبدیل به بزرگ ترین قطب تولید عروسک شد. بیشتر عروسک های اروپایی از چوب ساخته می شدند. تعداد ابتدایی ترین عروسک های چوبی ساخت انگلستان در قرن ۱۶ و ۱۷ که تا امروز به جا مانده اند به ۳۰ عدد هم نمی رسد. بعد از این در منطقه گراندن تال آلمان عروسک های مخی تولید شد. عروسک هایی که دو پایشان میخ ساده و شبیه گیره لباس است. بعد از آن شکل و شمایل عروسک ها برار تغییراتی کرد و کامل تر شد و چرخه تولید عروسک آن قدر چرخید تا کمتر عروسک تکراری ببینیم و به این ترتیب صنعت عروسک سازی به یکی از پول ساز ترین صناعت های جهان تبدیل شد.

## کوکشی | کوچولو های دست ساز

کدام کشور ؟ ژاپن

نام کوکشی، عروسک های دست ساز چوبی، از دو قسمت «Ko» به معنی چوب کوچک و «keshi» به معنای عروسک گرفته شده است. ساخت این عروسک ها در ابتدا منحصر به صنعت گران زائو بود و بعد به دیگر شهر های ژاپن منتقل شد. کوکشی ها در هیبت های مختلف با چوب درخت گیلاس و یک درخت محلی ژاپنی ساخته می شود، بدون دست و پا ست و این اعضا و لباس های ژاپنی روی آن ها نقاشی یا کنده کاری می شود و وقتی سر آن ها را می چرخانید جیر جیر می کند. امروزه این عروسک های جذاب بیشتر به عروسک های کلکسیونی تبدیل شده و طرح های متفاوت و با مزه کوکشی ها آن ها را به عنوان یک هدیه و سوغات ایده آل ژاپنی تبدیل کرده است.

## کچینا | بومی های با مزه

کدام کشور ؟ قبیله هوپی

کچینا عروسک هایی با لباس های رنگارنگ و روشن هستند که معمولاً با طرح های نمادین پوشیده می شوند، سر حیوانات را دارند و تزئینات خاص قبیله سرخ پوستان هوپی در جنوب غربی آمریکا را به همراه دارند. این عروسک ها را هم به دختران قبیله می دهند و هم از آن ها برای آموزش بزرگوار های خود درباره موجودات ماورائی استفاده می کنند. این باور ها در فرهنگ قبیله هوپی بسیار مهم است. آن ها معتقدند کچینا ها در ابتدا آدمیزاد نبوده اند و وقتی رنج مردم هوپی را دیدند تصمیم گرفتند برای کمک به آن ها به شکل انسان در بیایند و از طریق رقص، دعا و آواز به مردم برای بارش باران، رو باندن گیاهان خوراکی و درمان بیماران کمک کنند.

## از مبارک تا دارا و سارا

معرفی ۳ عروسک که هر کدام سر نوشت متفاوتی در کشور مان داشتند

با وجود فرهنگ غنی و مستعد در ایران ما هیچ وقت نتوانسته ایم عروسک مشخصی را به نمایندگی از کشور خود مان به دیگران معرفی کنیم. عروسک های بومی و محلی بسیارند و در بیشتر مراجع تحقیقی، فقط به نام چند عروسک که بیشتر مخصوص نمایش گردانی است، اشاره شده است. در این مطلب به سه تجربه ایران در حوزه عروسک اشاره خواهیم کرد.

**مبارک** | لباسی قرمز به تن دارد و با پوستی تیره با چند ریسمان روی

صحنه گردانده می شود. شوخ و شیرین زبان است و بیشتر صدایش را با سوکت در می آورد. او «مبارک» عروسک خیمه شب بازی است که معمولاً بی پرده و به طنز با مسائل روز جامعه شوخی می کند. فردی به نام مرشد کنار او می نشیند که جمله های مبارک را واضح تر به گوش مخاطبان می رساند و با مبارک هم صحبت است. در بیشتر مواقع مبارک، مرشد را با صدا می کند و بیشتر مان خاطره کوچکی از این گفت و گو ها از زمان کودکی داریم.



## ماتریشکا | تودرتو های چوبی

کدام کشور ؟ روسیه

تولد «ماتریشکا» به ۱۲۲ سال پیش در روسیه برمی گردد. سرگئی مالبوتین نقاش روسی بعد از دیدن عروسک های ژاپنی به فکر ساخت این عروسک ها افتاد و آن ها را در کارگاه خود خلق کرد. ماتریشکا عروسک های درون تهی چوبی هستند که چهره و پوشش روی آن ها نقاشی شده است. بدنه

## مونکاس | گلی های بی چهره

کدام کشور ؟ جمهوری دومینیکن

در جمهوری دومینیکن، مجسمه سازان گلی، عروسک های بی چهره ای به نام «مونکاس» می سازند که لباس های زیبایی می پوشند و گل، گلدان یا میوه ای را حمل می کنند. ترکیبی از مردم آفریقایی، اروپایی و بومی جمعیت دومینیکن در حوزه دریای کارائیب را تشکیل داده اند و جمعیت این کشور یک چهره مشخص ندارند. همین موضوع، دلیل ساختن مونکاس های بدون چهره است تا از این طریق به تقویت فرهنگ دومینیکنی ها کمک کند. هم اکنون مونکاس ها دیگر اسباب بازی نیستند و به عروسک های سنتی که هدیه ای متفکرانه هم به حساب می آیند، تبدیل شده اند. در چند سال اخیر، بعضی به ساخت این عروسک ها با ابزار و لوازم دیگری مانند پارچه و نمد هم روی آورده اند.

## اندبله | شیرین و پرکار برد

کدام کشور ؟ آفریقای جنوبی

عروسک های «اندبله» آفریقایی بدن ساده ای دارند که با مهره کاری های پیچیده و رنگارنگ تزئین شده اند. بعضی از این عروسک ها، مخروطی شکل هستند و بعضی دیگر روی پاهایی با کف پای صاف ایستاده اند. اندبله ها در آفریقا کاربرد متفاوتی با دیگر کشور ها دارند. دختران این عروسک ها را می سازند تا مهارت مهره کاری خود را تمرین و تقویت کنند. استفاده مردم از اندبله ها هم با مزه است. آن ها از این عروسک ها برای پیشنهاد ازدواج به فردی که دوستش دارند، استفاده می کنند و بعضی هم آن را به عنوان یک هدیه ارزشمند به ناز ازدواج کرده ها می دهند.

## غصه | افسانه بزرگ

کدام کشور ؟ گواتمالا

عروسک های غصه، آدمک های کوچکی هستند که از سیم، پارچه های رنگی و تکه های پشمی ساخته شده اند و صورتی متعجب دارند. این عروسک بر گرفته از یک افسانه گواتمالایی است که طبق آن خدای خورشید این عروسک را به شاهزاده مایا داده و به همین دلیل، می تواند هر مشکلی را حل کند. رسم هم بر این است که کودکان گواتمالایی مشکلات و رازهای خود را به این عروسک ها می گویند و شب ها آن را زیر بالش خود می گذارند تا وقتی بیدار می شوند این عروسک ها به آن ها جرئت مقابله با مشکلات را بدهد. حتی بعضی بزرگتر ها این عروسک ها را به کلاه، هندی یا لباس خود آویزان می کنند تا از آن انرژی بگیرند.

عروسک را به نوعی نماینده ایران می دانند.

**دارا و سارا** | حدود ۲۰ سال پیش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از عروسک دوقلوی دارا و سارا رونمایی کرد. ایده ساخت این عروسک ها از سال ۷۵ شروع شد تا جایگزینی برای عروسک های باری شوند اما این طور نشد و این پروژه خیلی زود شکست خورد، به طوری که امروزه کمتر کسی این عروسک ها را می شناسد. شاید یکی از دلایل شکست این عروسک ها چهره های معمولی و فاقد المان های بومی و تنها توجه به پوشش های اقلیم های مختلف ایران بود.



منابع این بخش از پرونده: موزه کودکی ایران انک، camp.com-inquirer.net

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۱  
۶ رجب ۱۴۴۴  
۲۸ ژانویه ۲۰۲۳  
شماره ۳۱۱۴۰

۳۳۶۰

## کار سخت بدون سختی کار!

گفت و گو با یکی از کارگرهای آب و فاضلاب مشهدی که عکس او و همکارش در روزهای یخبندان در فضای مجازی فراگیر شد

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

در روزهای فوق العاده سرد مشهد که کسی حاضر نبود از کنار یخاری یا شوقاژ تکان بخورد، کارگران زیادی در شهر مشغول کار بودند. «مسعود گلکار» و «محمد رضایی» دو نفر از این کارگرها بودند. در همان روزها عکس آن ها در حال تلاش برای تعمیر خط انتقال آب شرب در یک گودال پر از گل ولای در حالی که تا زانو در آب بودند، در فضای مجازی فراگیر شد. با «مسعود گلکار» که در این عکس، در سمت چپ قرار دارد و از نیروهای قرار دادی سازمان آب و فاضلاب مشهد است، گفت و گو کردیم. وقتی با او تماس گرفتیم چند ساعتی می شد که از شیفت شب به خانه رسیده بود. او درباره جزئیات این عکس و واکنش ها و همچنین چالش و سختی های شغلیش در اتفاقات آب بیشتر می گوید. تماس مان برای صحبت با فرد دیگر داخل این عکس بی نتیجه ماند ولی احتمالاً او هم شرایط و خواسته هایی مانند آقای «گلکار» دارد.

○ سرد بود و گرم نمی شدیم



۳۸ ساله ام.  
۱۶ سال  
است که کار  
می کنم و الان  
هم نیروی  
قرار دادی  
سازمان  
آب و فاضلاب  
مشهد هستم.  
چند وقتی  
است که قول

رسمی شدن هم داده اند ولی هنوز خبر جدیدی به ما اعلام نشده است. عکسی که از ما در کانال های تلگرامی منتشر شد، مربوط به روزهایی بود که مشهد یخبندان بود. لوله آب اصلی مطهری یک، تر کیده بود و بعد از اعزام همکارانم من هم برای کمک، به منطقه رفتم. آدرس حدود ساعت ۱۳ به ما اعلام شد و وقتی کارمان تمام شد ساعت ۱۶ بود. آن روز هوا خیلی خیلی سرد بود، آب داخل گودال هم سرد بود و ما تا زانو در آب و گل بودیم. یکی از ساکنان محله بر ایمن شعله ای آو دو ما چند لحظه ای خودمان را گرم می کردیم اما به خاطر سردی هوا زیاد تأثیر گذار نبود. عکس را سر شیفت مان برای مستند سازی سختی کار گرفته بود و خودمان را در یکی از کانال های خبری دیدیم. از شانس بد یک روز که کارشناس بیمه برای بازدید آمده بود، مأموریت های ما سبک بود و به همین دلیل گفتند سختی کار به شما تعلق نمی گیرد. در حالی که واقعا من و همکارانم فشار کاری زیادی را تحمل می کنیم ولی هیچ کدام سختی کار نداریم. حقوق مان که به قول مسئولان زیر خط فقر است و با حق شیفت، مزایا و... حدود ۱۰ میلیون تومان است.» این ها صحبت های گلکار درباره روزی است که عکس مذکور ثبت شده است.

○ بعضی ها تشکر کردند، بعضی ها مسخره!

از «گلکار» درباره واکنش ها و باز خورد ها بعد از فراگیر شدن عکس در فضای مجازی می پرسیم. او می گوید: «کسانی که عکسم را دیده بودند گفتند ما نمی دانستیم این قدر کارتان سخت بوده است. بعضی هم خد ا قوت می گفتند. نظرات مردم را در یکی از کانال های مشهد خواندم که عکس من و همکارم را گذاشته بودند. بعضی ها پیام های تشکر گذاشته و بعضی ها عکس را مسخره کرده بودند. البته تعداد تشکر ها بیشتر بود. آن روز مردمی که عبور می کردند هم خد ا قوت می گفتند و بعضی ها که آب شان قطع شده بود، سوال می کردند پس کی آب وصل می شود و به وضع پیش آمده معترض بودند. بالاخره آن در آور دن سخت است. من می خواهم طوری بشود که من و همه همکارانم یک پشتوانه امنیتی داشته باشیم. هربار که پیمانکار جدیدی می آید باترس و لرز سر کار می رویم که آیا با ما دوباره قرارداد می بندند یا نه؟ کار ما فشار زیادی به ناحیه پا و کمر می آورد و سختی و آسیب دیدگی در این قسمت بین همکارانم زیاد پیش می آید. همکارانی دارم که مشکل دیسک کمر دارند اما به روی خودشان نمی آورند چون ممکن است به دلیل آسیب دیدگی، آن ها را کنار بگذارند و بگویند دیگر به درد کار ما نمی خورید.»

○ هنوز مأموریت های تمام نشده داریم

«گلکار» درباره اوضاع و احوال کارش در دوره گذر از برودت هوای شدید مشهد می گوید: «از روزی که هوای مشهد سرد شد فشار کاری ما بیشتر و مأموریت های ما چندبرابر شد. الان در هر شیفت حدود صد و خرده ای آدرس داریم که در آن لوله یا کنتور تر کیده است. با این که اولویت بندی کرده و نیروی کمکی هم آورده ایم هنوز به همه کارها نمی رسیم. یکی از سختی های دیگر ما این است که شب و روز بیداریم. ممکن است استراحت هم داشته باشیم ولی چون شیفت ها چرخشی است، کارمان سخت است. ماهه شیفت ۱۲ ساعته داریم مثلاً شیفت مان از ۷ شب تا ۷ صبح ادامه دارد بعد از آن دو گروه دیگر در دو شیفت کاری می آیند و بعد دوباره نوبت ما می شود. به اصطلاح به آن ۱۲-۲۴ می گویند. سختی و خطر های کار ما زیاد است. همین چند روز پیش دوم بهمن، حاشیه خیابان مطهری بین کوچه ۹ و ۱۱ لوله آب تر کیده بود. دقیقاً وسط خیابان بودیم و خودروها هم تر دمی می کردند. اتوبوس و وسایل حمل و نقل سنگین هم زیاد بود و با هر تر ددی لرزش های شدیدی ایجاد می شد که خاک چاله ای را که در آن بودیم، سست می کرد و ممکن بود خدای نکرده خاک سست گود، روی همکارانم که پایین بودند، بریزد. از این اتفاق ها زیاد داریم که در گودهای ۲ کیلومتری که احتمال ریزش زیاد است، برای کار رفته ایم و گود، فرو رفته است. همه تلاش مان این است آب خانه ها واصل شود ولی گاهی در شرایط خطرناک هم با ما بر خورد خوبی نمی شود و می گویند بی احتیاطی از خودتان بوده است.»